

متن وصیت نامه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: أتى تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي أهل بيتي فَإِنَّهُمَا لَن يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْحَوْضِ.  
الحمد لله و سبحانك اللهم صلّ على محمد وآله مظاهر جمالك و جلالك و خزائن اسرار كتابك الذي تجلّى فيه الاحديّة بجميع اسمائك حتى المستأثر منها الذي لا يعلمه غيرك و اللعن على ظالمهم اصل الشجرة الخبيثة.

و بعد این جانب مناسب می‌دانم که شمه‌ای کوتاه و قاصر در باب ((ثقلین)) تذکر دهم، نه از حیث مقامات غیبی و معنوی و عرفانی که قلم مثل منی عاجز است از جسارت در مرتبه‌ای که عرفان آن بر تمام دایره وجود از ملک تا ملکوت اعلی و از آن جا تا لاهوت و آنچه در فهم من و تو ناید سنگین و تحمل آن فوق طاقت، اگر نگویم ممتنع است. و نه از آنچه بر بشریت گذشته است از مهجور بودن از حقایق مقام والای ثقل اکبر و ثقل کبیر که از هر چیز اکبر است جز ثقل اکبر که اکبر مطلق است و نه از آنچه گذشته است بر این دو ثقل از دشمنان خدا و طاغوتیان باز یگر که شمارش آن برای مثل منی میسر نیست با قصور اطلاع و وقت محدود، بلکه مناسب دیدم اشاره‌ای گذرا و بسیار کوتاه از آنچه بر این دو ثقل گذشته است بنمایم.

شاید جمله لَن يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْحَوْضِ اشاره باشد بر این که بعد از وجود مقدس رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم هر چه بر یکی از این دو گذشته است بر دیگری گذشته است و مهجوریت هر یک مهجوریت دیگری است تا آن گاه که این دو مهجور بر رسول خدا در حوض وارد شوند. و آیا این حوض مقام اتصال کثرت به وحدت است و اضمحلال قطرات در دریا است یا چیز دیگر که به عقل و عرفان بشر راهی ندارد. و باید گفت آن ستمی که از طاغوتیان بر این دو ودیعه رسول اکرم صلى الله عليه وآله وسلم گذشته بر امت مسلمان بلکه بر بشریت گذشته است که قلم از آن عاجز است.

و ذکر این نکته لازم است که حدیث ثقلین متواتر بین جمیع مسلمین است و [در] کتب اهل سنت از صحاح شش گانه تا کتب دیگر آنان با الفاظ مختلفه و موارد مکرره از پیغمبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم به طور متواتر نقل شده است و این حدیث شریف حجّت قاطع است بر جمیع بشر به ویژه مسلمانان مذاهب مختلف و باید همه مسلمانان که حجّت بر آنان تمام است جوابگوی آن باشند و اگر عذری برای جاهلان بی خبر باشد برای علمای مذاهب نیست.

اکنون ببینیم چه گذشته است بر کتاب خدا این ودیعه الهی و ماترک پیامبر اسلام صلى الله عليه وآله وسلم مسائل اُسفانگیزی که باید برای آن خون گریه کرد پس از شهادت حضرت علی (ع) شروع شد. خودخواهان و طاغوتیان قرآن کریم را وسیله‌ای کردند برای حکومت‌های ضدقرآنی و مفسران حقیقی قرآن و آشنایان به حقایق را که سراسر قرآن را



میزبان حقیر قرآن و دست‌ان بختی را که طرز سحران را ندیدیم بر کرم صابر علیه و آله وسلم در دست کرده بودند  
 نه سرانجامی که یکم هفتاد در گشتن بود با جانان مختلف و قاطعه‌ها را در شریک شده توان را مقرب زده  
 و با قرآن در دست قرآن را که بر شریک تا دور و دور بزرگترین دستور زنگانه در دست بود دست از صفحه  
 که خود حکومت عمل الهی که یک روزگاری این کتاب است که بوده و دست خط بلدان بلکه کشیده در خلاف که  
 این خدا و کتاب دست الهی که از او که تا ما بماند رسیده که تم از شرح آن ترس است و هر چه این شای  
 یک بیو آید که در خلاف افزون شده، آنها که قرآن که یکم که بر شریک جهانی و قطع مع بر مسلمان بلکه  
 عاقل بر روزم شام اصدت یکم تا م محمد ص تزل که که شریک را به آنچه با بر بسته بر سانه این بود  
 علم و کلام را که شریک طین و طا فو تا را صادر و جهان را قبضه و اصل رسانه و حکومت را برت او را به  
 سعیدین میده حکومت هدی و بهترین و بهترین بسیار است آن هر که صلح شریک است با و چون در صفحه  
 نموده که که گفت شریک بر است نرند و ما بماند بسبب که شریک است حکومت و از او افزون است  
 به ترند طا فو تا وسیله بر او را که در وقت و توجه سکون و مسلمان می غلام شده مع است شایان  
 قاطعه که در دست با قرآن مع کتاب شریک تا که شریک در دست تا به ما بر سر زمان نه است و در او  
 و آنکه باید وسیله مع مسلمان در شریک و کتاب نرند که آن بسته وسیله قاطعه و جنت که در و با طبع  
 در همه فایح شده که در یکم اگر کسی هم از حکومت هدی بر می آورد و از است که شریک که به هم  
 در همه بزرگوار صابر علیه و آله وسلم و قرآن دست نمون آن است شریک که بزرگترین صیبت را  
 در کتب شده و کله افزون میسر مردان با افزون به این شده بود که کون نیز است و چرا که تا  
 شایان بزرگ برسد حکومت شریک فایح از نیل است هدی که خود را بدیع به هم بسته اند و کلک بر بار  
 قرآن و ثبت تا عهد شایان ابر قدرت قرآن را با خط زیبا طبع میکنند را بر طرف میزنند و با این صلی  
 شایان قرآن را از صفحه فایح مکتبه ما به دریم قرآن را که در طرف فانی پس طبع کرد و بعد از آن نایل  
 مع بر شریک



از پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم دریافت کرده بودند و ندای اِتی تارک فیکم الثقلان در گوششان بود با بهانه‌های مختلف و توطئه‌های از پیش تهیه شده آنان را عقب زده و با قرآن، در حقیقت قرآن را که برای بشریت تا ورود به حوض بزرگ‌ترین دستور زندگانی مادی و معنوی بود و است از صحنه خارج کردند و بر حکومت عدل‌الهی که یکی از آرمان‌های این کتاب مقدس بوده و هست خط بطلان کشیدند و انحراف از دین خدا و کتاب و سنت الهی را پایه‌گذاری کردند تا کار به جایی رسید که قلم از شرح آن شرمسار است. و هر چه این بنیان کج به جلو آمد کجی‌ها و انحراف‌ها افزون شد تا آن‌جا که قرآن‌کریم را که برای رشد جهانیان و نقطه جمع همه مسلمانان بلکه عائله بشری از مقام شامخ احدیت به کشف تام محمدی (ص) تنزل کرد که بشریت را به آن‌چه باید برسند، برساند و این ولیده علم‌الاسماء را از شر شیاطین و طاغوت‌ها رها سازد و جهان را به قسط و عدل رساند و حکومت را به دست اولیاءالله، معصومین علیهم صلوات الاولین و الآخین، بسپارد تا آنان به هر که صلاح بشریت است بسپارند، چنان از صحنه خارج نمودند که گویی نقشی برای هدایت ندارد و کار به جایی رسید که نقش قرآن به دست حکومت‌های جائر و آخوندهای خبیث بدتر از طاغوتیان وسیله‌ای برای اقامه جور و فساد و توجیه ستمگران و معاندان حق تعالی شد و مع‌الأسف به دست دشمنان توطئه‌گر و دوستان جاهل، قرآن این کتاب سرنوشت‌ساز، نقشی جز در گورستان‌ها و مجالس مردگان نداشت و ندارد و آن‌که باید وسیله جمع مسلمانان و بشریت و کتاب زندگی آنان باشد، وسیله تفرقه و اختلاف گردید و یا به کلی از صحنه خارج شد، که دیدیم اگر کسی دم از حکومت اسلامی برمی‌آورد و از سیاست که نقش بزرگ اسلام و رسول بزرگوار صلی‌الله علیه و آله و سلم و قرآن و سنت مشحون آن است سخن می‌گفت گویی بزرگ‌ترین معصیت را مرتکب شده و کلمه آخوند سیاسی موازن با آخوند بی‌دین شده بود و اکنون نیز هست.

و اخیراً قدرت‌های شیطانی بزرگ به وسیله حکومت‌های منحرف خارج از تعلیمات اسلامی که خود را به دروغ به اسلام بسته‌اند برای محو قرآن و تثبیت مقاصد شیطانی ابر قدرت‌ها قرآن را با خط زیبا طبع می‌کنند و به اطراف می‌فرستند و با این حيلة شیطانی قرآن را از صحنه خارج می‌کنند ما همه دیدیم قرآنی را که محمدرضا خان پهلوی طبع کرد و عده‌ای را اغفال کرد و بعض آخوندهای بی‌خبر از مقاصد اسلامی هم مداح او بودند و می‌بینیم که ملک فهد هر سال مقدار زیادی از ثروت‌های بی‌پایان مردم را صرف طبع قرآن کریم و محال تبلیغات مذهب ضدقرآنی می‌کند و وهابیت این مذهب سراپا بی‌اساس و خرافاتی را ترویج می‌کند و مردم و ملت‌های غافل را سوق به سوی ابرقدرت‌ها می‌دهد و از اسلام عزیز و قرآن کریم برای هدم اسلام و قرآن بهره‌برداری می‌کند.



